

## کارآمدی حقوقی الگوی حکومت مردم سالاری دینی در گفتمان

### تمدنی انقلاب اسلامی

منیره اسلمی<sup>۱</sup>، تقوی کنانی<sup>۲</sup>

#### چکیده

کارآمدی حقوقی، از نظر تئوریک، ظرفیت و امکان ذاتی یک نظام سیاسی در تأمین اهداف آن است. یکی از این اهداف، تأمین حقوق مردم جامعه و فراهم سازی امکان حضور و نقش آفرینی آنان در نظام سیاسی است. نظریه مردم سالاری دینی به عنوان الگویی مطلوب حکومتی در جهان امروز، در شرایطی که بسیاری از حکومت های افراطی و تفریطی جایگاه مردمی، مقبولیت عام یا مشروعیت بین المللی ندارند، می تواند یکی از شاخصه های اصلی در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی باشد. این مقاله با روش توصیفی و شیوه کتابخانه ای، با نگاهی به نظریه مردم سالاری دینی و با صرف نظر از برخی تفاوت ها، به بررسی مشترکات آن با ویژگی های یک حکومت مطلوب از دیدگاه بین المللی می پردازد. همچنین با نگاهی به کلیاتی از حقوق فردی و اجتماعی مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه در فصل سوم (اصول ۱۹ تا ۴۲)، به عنوان مصداق از کارآمدی حقوقی نظریه مردم سالاری دینی در عالی ترین مرجع قانونی، مورد مطالعه قرار می گیرد. هدف پژوهش، بررسی امکان ذاتی و ظرفیت این نظریه در تأمین حقوق مردم و تبلور شکلی آن در این شیوه حکومتی، به عنوان نمونه ای از الگوی مطلوب حکومت در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی است. نتایج نشان می دهد که نظام حکومتی مبتنی بر نظریه مردم سالاری دینی، با در نظر گرفتن حقوق فردی و اجتماعی افراد و تکالیف آنان در رابطه دوسویه با نظام حاکم، از کارآمدی لازم برخوردار است تا محتوای خود را در قالب ساختار حاکمیتی خویش اعمال کند و بالفاظ حقوق مردم در عالی ترین مرجع قانونی، اهداف مورد نظر را تحقق بخشد.

**واژگان کلیدی:** مردم سالاری دینی، کارآمدی حقوقی، گفتمان تمدنی

انقلاب اسلامی، الگوی حکومتی مطلوب.

۱. دانش پژوه کارشناسی حقوق و معارف اسلامی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

## ۱. مقدمه

نظام‌های حکومتی مختلفی در طول تاریخ شکل گرفته‌اند که برخی از آنها پس از مدتی از میان رفته یا کم‌رونق شده‌اند؛ زیرا یا به اهداف و ویژگی‌های لازم یک جامعه مطلوب دست نیافته‌اند یا مصالح عمومی و حقوق مردم را نادیده گرفته‌اند و در نتیجه زمینه انحطاط و انحلال خود را فراهم کرده‌اند. اسلام با ظهور خود در تمامی عرصه‌های زندگی بشر تحولی نو پدید آورد. این دین کامل‌ترین برنامه زندگی را برای شئون فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی بشر تدوین کرد. پیامبر ﷺ از سال‌های نخست هجرت، بنای حکومت توحیدی اسلام را بنیان نهادند. اسلام با نگاهی جامع، در عرصه‌های مختلف، تمدنی فراتر از قلمرو جغرافیایی خود ایجاد کرد.

در طول تاریخ، نظریه‌های گوناگونی مبنای تشکیل حکومت‌ها بوده‌اند. در میان انواع نظام‌های سیاسی شرق و غرب، دموکراسی و جمهوریت به سبب نقش مردم در حکومت، مورد توجه بیشتری قرار گرفتند و بسیاری از جوامع از این شیوه استقبال کردند. هرچند این نوع حکومت از برخی جنبه‌های ظاهری به مردم‌سالاری نزدیک است، باید توجه داشت که مردم‌سالاری دینی، نظریه‌ای مستقل و کامل با مبانی ایدئولوژیک و اصولی متفاوت است و نباید آن را با دموکراسی سکولار غربی یکی دانست.

امام خمینی رحمته‌الله علیه با بنیان‌گذاری حکومت جمهوری اسلامی، نظریه مردم‌سالاری دینی را به مرحله اجرا درآورد. با گذشت چند دهه از این الگوی حکومتی و دستاوردهای ثمربخش آن در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی، این نظریه به‌عنوان الگویی مطلوب در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی مطرح شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر همین مبنا شکل گرفته است؛ هرچند در اجرا، موانع و چالش‌هایی وجود دارد که نیازمند بررسی و ارائه راهکارهای مناسب است.

در جوامع گوناگون، به‌ویژه کشورهای اسلامی، حکومت‌ها بر مبنای فقه‌ها و جریان‌های مختلف فکری و یا با تأثیر از نظام‌های غیردینی شکل گرفته‌اند. برخی از حکومت‌های نوظهور

افراطی نیز امروزه در حال شکل گیری اند. در این میان، مسئله اصلی این است که حکومت مردم سالاری دینی، با نگاه همه جانبه، توحیدمحوری، قوانین مبتنی بر منابع اسلامی، و با تأکید بر مشارکت و حقوق همه اقشار جامعه، چگونه زمینه تحقق ظرفیت ها و امکان های ذاتی خود را فراهم می سازد.

ضرورت و اهمیت توجه به کارآمدی حقوقی یک نظام حکومتی از آن روست که در جهان امروز، با افزایش سطح آگاهی سیاسی، اجتماعی و حقوقی مردم، حکومت های یک سویه و تک بعدی نمی توانند بدون لحاظ نقش مردم در شکل گیری و بقای خود، ادعای مقبولیت و مشروعیت داشته باشند. شاید بتوان از منظر سیاسی و با اتکا بر قدرت، حکومتی را ایجاد کرد، اما بقای آن منوط به رعایت حقوق افراد جامعه و ایجاد توازن میان «حق» و «تکلیف» است. فقدان این توازن، موجب نارضایتی عمومی و کاهش انسجام اجتماعی می شود و پیامدهای آن نخست در داخل جامعه و سپس در عرصه بین المللی نمایان خواهد شد. از این رو، ظرفیت های حقوقی پیش بینی شده در هر نظام سیاسی می تواند بر پایداری و آینده نگری آن در مواجهه با چالش ها تأثیرگذار باشد و پرداختن به آن، ضرورتی است که باید مورد توجه نظریه پردازان و سیاست گذاران نظام قرار گیرد.

## ۲. مفاهیم

### ۲-۱. کارآمدی

کارآمدی واژه ای است که به سبب تنوع کاربرد در علوم انسانی، معانی گوناگونی از آن ارائه شده است. در نظام سیاسی، کارآمدی از دو حیث بررسی می شود: نخست، کارآمدی تئوریک که عبارت است از: میزان ظرفیت و امکان ذاتی نظام سیاسی برای تحقق اهداف مورد نظر؛ و دوم، کارآمدی عملی که مقصود از آن میزان موفقیت نظام سیاسی در تحقق اهداف با توجه به ابزار، امکانات و موانع موجود است. (شبان نیا، ۱۳۹۷، ص ۳۸)

## ۲-۲. تمدن

در فرهنگ فارسی، تمدن چنین تعریف شده است: «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن، با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود». (عمید، ۱۳۸۹، ۵۳۰/۱) در زبان عربی، تمدن از واژه «مدن» گرفته شده است که به معنای اقامت کردن است. در زبان انگلیسی نیز واژه civilization از ریشه لاتین civilis به معنای شهرنشینی گرفته شده و به همین معنا به کار می‌رود (ولایتی، ۱۳۸۴، ۳۳/۱).

در کتاب التحقيق فی کلمات القرآن آمده است که واژه «مدن» از لغت عبری و سریانی گرفته شده و واژه «مدین» و «مدینه» مشتق از ماده «دین» است و به معنای پذیرش و خضوع در برابر برنامه‌ها، قوانین و مقررات آمده است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۵۵/۱).

علامه جعفری در تعریف تمدن می‌فرماید: «تمدن عبارت است از: برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه، به گونه‌ای که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر منتفی گردد و مسابقه در مسیر رشد و کمال جایگزین آن شود، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعلیت رسیدن استعدادهای سازنده آنان باشد» (جعفری، ۱۳۷۳، ۲۳۳/۶). ولایتی تمدن را چنین تعریف می‌کند: «تمدن عبارت است از: پیشرفت و توسعه همه جانبه ناشی از مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر که حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی است» (ولایتی، ۱۳۸۶، ۲۲/۱).

## ۲-۳. تمدن اسلامی

تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام استوار باشد. این تمدن بر پایه نگرش توحیدی و مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی شکل گرفته است و انسان را به سوی سعادت و کمال سوق می‌دهد (جان احمدی، ۱۳۸۸، ص ۵۱-۵۲). مقام معظم رهبری علیه السلام تمدن اسلامی را چنین توصیف می‌فرماید: «تمدن اسلامی فضایی است که انسان در آن، به لحاظ معنوی و مادی، می‌تواند رشد کند و به غایت مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است؛ زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد؛

انسانی عزیز، دارای قدرت، اراده، ابتکار و سازندگی در جهان طبیعت باشد. تمدن اسلامی به این معناست و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی نیز همین است» (بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۲۲/۳/۱۳۸۳). مراد از تمدن اسلامی، همه دستاوردهای مسلمانان در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اخلاقی، مادی و معنوی، صنعت، اختراعات و اکتشافات است که از عصر پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز شد و با گسترش قلمرو اسلامی از مرزهای غربی چین تا اندلس را دربر گرفت (اکبری و رضایی، ۱۳۹۴، ص ۸۵-۱۰۸).

## ۲-۴. مردم سالاری دینی

مردم سالاری دینی، اصطلاحی نوپدید در گفتنمان سیاسی معاصر است که برخاسته از مبانی سیاسی اسلام و آموزه های نبوی و علوی است. هدف آن، حفظ حقوق مردم در عرصه سیاست و اداره امور جامعه در چارچوب اصول دینی و پرهیز از معایب دموکراسی غربی است. در واقع، مردم سالاری دینی عبارت است از: حاکمیت یافتن اراده مردمی که در چارچوب ارزش ها و هنجارهای دینی، نظام سیاسی خود را آزادانه برگزیده اند. از مهم ترین ویژگی های آن، حفظ کرامت انسان، عدالت محوری، برابری قانونی بر اساس شریعت الهی، مشارکت مردم در حوزه های سیاسی و اجتماعی، نظارت بر قدرت سیاسی و پاسخ گویی مسئولان در برابر مردم است (آقای میبیدی و کریمی والا، ۱۳۹۷، ص ۲۹).

مقام معظم رهبری علیه السلام در تبیین شأن حاکمیتی مردم در نظام مردم سالاری دینی می فرماید: «اولاً مردم سالاری دینی دو چیز نیست؛ این طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم مجموعه کاملی داشته باشیم؛ نه، خود این مردم سالاری هم متعلق به دین است. انتخاب مردم یکی از دو بخش مردم سالاری دینی است؛ مردم بایستی انتخاب کنند، بخواهند، بشناسند و تصمیم بگیرند تا تکلیف شرعی درباره آنها منجز بشود. بخش دیگر مردم سالاری دینی این است که حالا بعد از آن که من و شما را انتخاب کردند، ما در قبال آنها وظایف جدی و حقیقی داریم» (خامنه ای، ۱۳۷۹). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز که جمهوریت نظام را تأیید و تضمین کرده است، اصل تفکیک قوا،

محوریت مردم در شکل‌گیری نظام و اداره امور کشور با اتکای بر آرای عمومی را پذیرفته و تمهیداتی را برای محدود کردن قدرت دولت‌ها، مقابله با استبداد، نهادینه‌سازی آزادی، جلوگیری از فساد و سوءاستفاده از قدرت پیش‌بینی کرده است.

## ۲-۵. گفتمان

واژه گفتمان ترجمه واژه فرانسوی Discours و هم‌ریشه با واژه لاتین Discursus است که به معنای «گذر» یا «حرکت از جایی به جای دیگر» می‌باشد. در تعریف، گفتمان را می‌توان چنین بیان کرد: «فضای ذهنی و زبانی مسلطی که مردم در یک دوره خاص تاریخی با آن سخن می‌گویند». گفتمان مجموعه‌ای درهم‌تنیده از سه عنصر عمل اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و متن است (باقی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵).

## ۳. حکومت‌های دینی و نقش مردم در آن

«حکومت» و «حاکمیت» از ارکان بنیادین هر دولت – کشور به شمار می‌آیند. مفهوم حاکمیت عبارت است از: سیطره اراده برتر بر قلمروی سرزمینی معین، به گونه‌ای که هیچ اراده رقیب اجتماعی فراتر از آن وجود نداشته باشد و از نظر بیرونی نیز تحت سلطه یا آمریت دولت دیگر قرار نگیرد (عالم، ۱۳۷۵، ص ۱۴۵). با توجه به حضور دین در ابعاد گوناگون زندگی انسان، اجرای کامل احکام و مقررات دینی و دستیابی به اهداف آن جز با برقراری حکومتی مبتنی بر دین امکان‌پذیر نیست. کشورهای اسلامی عموماً دارای حکومت‌هایی مبتنی بر دین هستند و هر یک با نظام‌های سیاسی و حقوقی گوناگون، برگرفته از مبانی فقهی مذاهب مختلف اسلامی، اداره می‌شوند. با نگاهی اجمالی به این مبانی، می‌توان نقش مردم در تعیین حاکم و نظام حکومتی را بررسی کرد. مذاهب اهل سنت برای انتخاب حاکم، چهار مبنا قائل‌اند: تشکیل شورای حل و عقد؛ انتخاب جانشین توسط خلیفه حاضر؛ قهر و غلبه؛ و ایجاد شورا توسط خلیفه سابق برای تعیین حاکم جدید. در همه این موارد، بیعت مردم شرط تکمیل مشروعیت حاکم است. در میان سه جریان اندیشه سیاسی معاصر، فقه شیعه دو الگو را برای

انتخاب حاکم مشخص می‌کند: نظریه ولایت فقیه، و نظریه وکالت مالکان شخصی مشاع. (آهنگران، و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۸؛ مصطفوی، ۱۳۸۶)

#### ۴. گفتمان و تفاوت‌های دینی و مذهبی

چون بحث پژوهش حاضر ناظر به الگوسازی حکومت دینی و چگونگی ارائه آن در عرصه گفتمان تمدنی است، توجه به روابط میان فرقه‌های اسلامی با یکدیگر و نیز روابط آنها با سایر مذاهب و ادیان اهمیت ویژه‌ای دارد. در این زمینه، بررسی اشتراکات و تقویت آنها از سویی و تحلیل علمی و مستدل تعارضات و اختلافات از سوی دیگر، ضرورت دارد. چنانچه اختلافات وجود داشته باشد، باید جنبه‌های کلامی، مذهبی، سیاسی و جامعه‌شناختی آنها در قالب گفتمان مورد تحلیل قرار گیرد تا به هم‌گرایی و تقریب میان دیدگاه‌ها منجر شود.

#### ۵. مردم سالاری دینی

##### ۵-۱. مبانی مردم سالاری دینی

برای ورود به بحث، لازم است ابتدا مسیر اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته‌الله علیه به عنوان نظریه‌پرداز این الگو را بررسی کرد تا رویکرد ایشان نسبت به حکومت تبیین شود. اصل توحید، محور اصلی جهان بینی امام خمینی رحمته‌الله علیه است؛ بنابراین، تمامی شئون زندگی سیاسی و الگوی مطلوب حکومت باید بر اساس این اصل توضیح داده شود. در دیدگاه توحیدی اسلام، دولت و حکومت در قالب امامت مطرح می‌شود و حاکمیت انسان بر سرنوشت جمعی خویش از دو نوع رابطه انسان با خدا نشئت می‌گیرد: نخست، رابطه در بعد هدایت الهی که با نصب و معرفی انبیا و امامان علیهم السلام تحقق می‌یابد. دوم، رابطه در بعد خلقت انسان که براساس آن، انسان آزاد و حاکم بر سرنوشت خویش آفریده شده است تا در پرتو آزادی توأم با مسئولیت، راه هدایت انبیا را برگزیند و از این طریق، اراده خدا — یعنی شریعت و قانون الهی — را بر سرنوشت خویش حاکم سازد.

در دیدگاه توحیدمدار امام خمینی رحمته الله علیه، جهان هستی بر محور «عدل» استوار است؛ زیرا طبق تعالیم الهی و قرآنی، نظام آفرینش و جهان خلقت عبث و بیهوده نیست. یکی از مباحث اساسی در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه، اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی است؛ زیرا اجرای احکام دینی که ضامن سعادت انسان است، بدون تشکیل حکومت تحقق نمی یابد.

امام خمینی رحمته الله علیه هدف کلی حکومت را ایجاد شرایط مساعد برای تعالی و سعادت انسان ها می داند؛ شرایطی که در آن، افراد مؤمن تربیت شوند، توسط مربیانی که محتوای آموزش آنها مبتنی بر احکام الهی است. غایت این تعلیم و تربیت، رسیدن به کمال و سعادت اخروی است (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵، ص ۱۲۲).

اصل دوم قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی را بر اصول توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت بنا کرده است. این اصول، رفتار و ساختار نظام را به جهان بینی خاصی متصل می سازد که در آن، جهان مخلوق خداوند یکتاست و انسان های کامل (پیامبران و امامان علیهم السلام) از سوی خداوند مسئول هدایت بشر هستند. اعمال و رفتار انسان ها بر اساس عدالت سنجیده می شود و در روز قیامت، همگان نتیجه اعمال خود را خواهند دید. اصل پنجاه و ششم قانون اساسی، حاکمیت مطلق بر جهان و انسان را از آن خداوند می داند و بیان می کند که خداوند اراده کرده است انسان ها مختار، آزاد و تصمیم گیر باشند. در عین حال، صفات خداوند و اراده او اقتضا می کند که مسیر درست هدایت انسان ها تبیین گردد. براین اساس، هیچ کس حق ندارد این حق خدادادی را از انسان ها سلب کند یا آن را در مسیری غیر از هدایت قرار دهد، مانند آنکه حاکمیت ملت در خدمت منافع فرد یا گروه خاصی درآید.

## ۵-۲. نظریه مردم سالاری دینی

هر نظریه سیاسی باید به مسئله «نوع و شکل حکومت مطلوب» پاسخ دهد. در آموزه های دینی، ویژگی ها و وظایف حکومت بیان شده است، اما در مورد تعیین یک نوع خاص از حکومت به عنوان شکل مطلوب، دستور قطعی از سوی شارع مقدس وجود ندارد؛ زیرا شریعت، متضمن امور ثابت دین است و شکل حکومت با توجه به تحولات جوامع، قابل تغییر



و تطبیق است. از نظر امام خمینی رحمته الله علیه، شکل حکومت اسلامی نخست با الهام از سیره حکومتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام، سپس با توجه به شرایط و مقتضیات زمان، و در نهایت با مراجعه به آرای ملت و اتکا بر نظر آنان تعیین می شود. بر همین مبنا، ایشان «حکومت جمهوری اسلامی» یا همان «نظام مردم سالاری دینی» را پیشنهاد می دهد. (ضمیری، ۱۳۸۸، ص ۱۴۶) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، ملزومات و شرایط مرتبط با این نظریه در مواد مختلف مورد اشاره قرار گرفته است

### ۵-۳. تفاوت مردم سالاری دینی و دموکراسی

همان طور که در بخش مفاهیم و نیز در سخنان مقام معظم رهبری علیه السلام اشاره شد، هرچند مردم سالاری دینی و دموکراسی در برخی جنبه های ظاهری شباهت هایی دارند، اما از نظر مبانی نظری، اهداف، و منابع مشروعیت با یکدیگر تفاوت بنیادین دارند. در مردم سالاری دینی، حاکمیت مردمی در چارچوب ارزش ها و احکام الهی تحقق می یابد، در حالی که در دموکراسی غربی، محور تصمیم گیری خواست اکثریت است، حتی اگر با اصول اخلاقی یا ارزش های معنوی در تعارض باشد. مردم سالاری دینی جامعیت لازم برای تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان را داراست، در حالی که دموکراسی سکولار، مبتنی بر فردگرایی و اومانیسم، آزادی فردی را تا مرز تعارض با مصالح جمعی و اخلاقی گسترش می دهد. بنابراین، مردم سالاری دینی را نمی توان شکل اسلامی دموکراسی غربی دانست، بلکه باید آن را نظریه ای مستقل با مبانی و حیانی، الهی و عدالت محور تلقی کرد.

### ۶. ویژگی های یک حکومت با سیاست مطلوب

#### ۶-۱. دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه درباره ویژگی های یک حکومت با سیاست مطلوب

«سیاست مطلوب» از نظر امام خمینی رحمته الله علیه، در چارچوب حکومتی دارای ویژگی هایی است که عبارتند از: سعادت محور بودن، توجه به هر دو بعد مادی و معنوی انسان، ایجاد جامعه ای مناسب برای رشد و تکامل انسان با لحاظ هر دو بعد وجودی او، رعایت مصالح دنیا و آخرت

عموم انسان‌ها، پرهیز از سلطه‌گری ناروا، ابتنا بر قسط و عدل، نفی هرگونه ظلم، استبداد و استثمار، و در نهایت، اجرای حدود الهی در جامعه. (ضمیری، ۱۳۸۸، ص ۱۴۴) از منظر امام رحمه الله علیه، سیاست باید در خدمت تربیت انسان، گسترش عدالت و تحقق ارزش‌های الهی باشد، نه در خدمت قدرت یا منافع شخصی.

## ۶-۲. ویژگی حکومت با حکمرانی مطلوب در تعاریف بین‌المللی

در عرصه گفتمان بین‌المللی، مفهوم «حکمرانی مطلوب (Good Governance)» به مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشترک در نظام‌های سیاسی اشاره دارد که ضامن سلامت، پایداری و مشروعیت آن‌هاست. بانک جهانی در سال ۲۰۰۶، شاخص‌های حکمرانی مطلوب را در سه محور عمده بیان کرده است:

**جامعیت و پاسخ‌گویی** در سه بخش کلیدی: انتخابات، پاسخ‌گویی و جابه‌جایی مسالمت‌آمیز حاکمان (شامل اظهار نظر و پاسخ‌گویی، پایداری و فقدان خشونت).  
**کارآمدی نهادها، قوانین و مدیریت منابع**، همراه با احترام به نهادهای مدنی و تعامل سازنده میان کنشگران جامعه، تجارت و سیاست (کنترل فساد و برابری حقوقی).  
**پاسخ‌گویی در برابر مردم**، به‌عنوان معیار اصلی مشروعیت.

برنامه عمران سازمان ملل متحد (UNDP) نیز در تعریف حکمرانی خوب، ویژگی‌های زیر را بیان می‌کند: «قاعده‌مندی، شفافیت، پاسخ‌گویی، کارآمدی و انصاف...؛ ترویج برابری حقوقی؛ و تضمین اینکه اولویت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر اساس اجماع جمعی تعیین شود و نظرات فقرا و افراد آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تخصیص منابع توسعه مورد توجه قرار گیرد» (غلامی‌مقدم و شریف‌شاهی، ۱۴۰۲، ص ۸۳-۹۸). با بررسی تعاریف گوناگون می‌توان دریافت که در تمامی دیدگاه‌ها، عناصر مشترکی همچون نقش مردم، مشارکت عمومی، عدالت، شفافیت و پاسخ‌گویی به‌عنوان معیارهای اصلی حکومت مطلوب شناخته می‌شوند.

### ۶-۳. تفاوت میان حکومت و حکمرانی

هرچند واژه‌های «حکومت» و «حکمرانی» گاه به صورت مترادف به کار می‌روند، اما از نظر مفهومی تفاوت‌هایی بنیادین میان آنها وجود دارد. با وجود تفاوت‌های مفهومی، در این پژوهش، به سبب اشتراک‌های فراوان میان مؤلفه‌های «حکمرانی مطلوب» و ویژگی‌های «حکومت مبتنی بر نظریه مردم‌سالاری دینی»، این دو واژه در برخی موارد به صورت مترادف در نظر گرفته شده‌اند.

### ۷. حکومت مردم‌سالاری دینی و کارآمدی حقوقی آن

#### ۷-۱. کارآمدی حقوقی و مقصود از آن

مفهوم کارآمدی در بخش مفاهیم از دو حیث تئوریک و عملی تبیین شد. با توجه به اینکه موضوع این بحث، نظریه‌ای حکومتی است که خود مبنا و مرحله‌ای پیش از تدوین قانون به شمار می‌رود، مراد در اینجا کارآمدی تئوریک است. کارآمدی حقوقی را می‌توان چنین تعریف کرد: مجموعه اهداف و ظرفیت‌های یک نظریه یا نظام حکومتی در حوزه حقوقی که توانایی تأمین نیازها و حقوق اساسی مردم را در چارچوب قوانین و ارزش‌های پذیرفته شده داراست.

#### ۷-۲. حق تعیین سرنوشت، حق نظارت و حق مشارکت سیاسی

نخستین گام در ایجاد هر نظام سیاسی، تعیین شکل حکومت و نقش مردم در انتخاب آن است. نظریه مردم‌سالاری دینی از آغاز، این مسئله را مد نظر داشته است؛ به گونه‌ای که شکل حکومت جمهوری اسلامی، تجلی همین اصل به شمار می‌رود. امام خمینی رحمته‌الله علیه در این باره می‌فرماید: «از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد، و طبیعی است چون ملت ایران بیش از نود درصد مسلمان‌اند، باید این حکومت بر پایه‌های موازین و قواعد اسلامی بنا شود» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۳۷۸). همچنین در فصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظارت و مشارکت سیاسی

مردم به روشنی تبیین شده است که هر یک از آنها خود مبحثی مستقل و گسترده را دربر می گیرد.

### ۷-۳. پیامدهای حقوقی در حوزه فردی

حکومت مبتنی بر مردم سالاری دینی با لحاظ حقوق اساسی و شهروندی برای تمامی افراد جامعه، تأمین کننده حقوق فردی آنان است. این حقوق عبارتند از: حقوق اساسی؛ آزادی فردی در چارچوب قوانین دینی؛ مشارکت سیاسی (یعنی میزان مشارکت مردم در امور کشور از مهم ترین شاخصه های حکومت مردم سالار است و از طریق نهادهای قانونی، مستقیم یا غیرمستقیم تحقق می یابد. مشارکت می تواند به صورت آزادی بیان، تنوع دیدگاه ها، سازماندهی جامعه مدنی و... بروز کند)؛ حقوق اقلیت ها؛ حق دسترسی به مناصب و مشاغل مهم و کلان سیاسی و حکومتی از طریق انتخابات سالم؛ شناسایی حقوق مدنی و سیاسی؛ حق نظارت عمومی بر تصمیم های جمعی و عملکرد مقامات؛ و حق رفتار برابر و منصفانه در برابر قانون.

### ۷-۴. پیامدهای حقوقی در حوزه جامعه

نظام مردم سالاری دینی در حوزه اجتماعی نیز تأمین کننده حقوق و آزادی های عمومی است. برخی از مهم ترین مصادیق آن عبارت اند از: پذیرش اصل تفکیک قوا و برقراری تأثیر و تأثر متقابل و منطقی میان آنها؛ وجود احزاب سیاسی نماینده گروه های اجتماعی؛ استقرار رسانه های آزاد جمعی؛ تشکیل نهادهای مدنی و سازمان های غیردولتی؛ وجود محاکم و قضات مستقل که حافظ حقوق و آزادی های مردمی باشند؛ ایجاد نظام پاسخ گویی مؤثر سیاسی، حقوقی، اداری و مالی؛ و تشکیل نهادهای ناظر و بازرسی کننده مستقل. (زارعی، ۱۳۸۳)

### ۷-۵. حقوق ملت در قانون اساسی ایران؛ مصداق عملی حکومت مبتنی بر مردم سالاری دینی

قانون اساسی هر کشور، سند عالی و مرجع کل نظام آن است. برای بررسی تحقق عملی نظریه مردم سالاری دینی در ساختار جمهوری اسلامی ایران، باید به اصول فصل سوم قانون اساسی

با عنوان «حقوق ملت» توجه کرد. در این فصل، حقوق فردی و اجتماعی مردم به تفصیل بیان شده است. مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

اول) حق برابری همه مردم در برابر قانون (اصول ۱۹ و ۲۰)

اصل ۱۹: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود».

اصل ۲۰: «همه افراد ملت، اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

دوم) حقوق ویژه زنان (اصل ۲۱): «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او؛  
حمایت از مادران، به‌ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست؛

ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛

ایجاد بیمه خاص برای بیوه‌گان، زنان سالخورده و بی‌سرپرست؛

اعطای قیومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنان در صورت نبود ولی شرعی».  
سوم) حق برخورداری از امنیت و مصونیت نسبت به حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل (اصل ۲۲): «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

چهارم) حق آزادی‌های فکری و عقیدتی و منع تفتیش عقاید (اصل ۲۳): «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد».

**پنجم) حق آزادی بیان، قلم و مطبوعات در حدود مقرر در اسلام (اصل ۲۴):** «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند».

**ششم) حق مصونیت از تجسس (اصل ۲۵):** «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون».

### **هفتم) حق آزادی تشکل‌ها، احزاب و اجتماعات (اصول ۲۶ و ۲۷)**

**اصل ۲۶:** «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط بر آنکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند».

**اصل ۲۷:** «تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است».

**هشتم) حق آزادی کار و تأمین اجتماعی (اصول ۲۸ و ۲۹):** «هر کس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام، مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال و شرایط مساوی برای احراز مشاغل فراهم آورد».

**نهم) حق آموزش و پرورش رایگان (اصل ۳۰):** «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و تحصیلات عالی را تا حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد».

**دهم) حق برخورداری از مسکن (اصل ۳۱):** «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای نیازمندان، به‌ویژه روستاییان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند».

**یازدهم) حق انتخاب محل اقامت (اصل ۳۳):** «هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید یا از اقامت در محل مورد علاقه اش منع کرد یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر دارد».

**دوازدهم) حقوق برخورداری از امنیت و امنیت قضایی (اصول ۳۲ تا ۳۹):** از جمله حق برائت، منع شکنجه، منع هتک حیثیت و تعرض، حق دادخواهی، انتخاب وکیل و مراجعه به دادگاه های صالح.

**اصل ۲۳:** «هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود».

**اصل ۳۴:** «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد».

**اصل ۳۶:** «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد».

**اصل ۴۰:** رعایت حقوق دیگران؛

**اصول ۴۱ و ۴۲:** حق تابعیت

این اصول، مجموعه جامعی از حقوق ملت در نظام مردم سالاری دینی را ترسیم می کند که نشان دهنده کارآمدی حقوقی این الگوست.

## ۸. نتیجه گیری

با بررسی ویژگی های حکومت مطلوب از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه به عنوان نظریه پرداز مردم سالاری دینی، و مقایسه آن با معیارهای حکمرانی مطلوب در سطح بین الملل و اصول

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان چنین نتیجه گرفت که نظام مردم‌سالاری دینی با در نظر گرفتن حقوق بنیادین مانند حق تعیین سرنوشت، حق نظارت، مشارکت سیاسی، و نیز مجموعه حقوق فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و قضایی، الگویی جامع از حکمرانی ارائه می‌دهد که هم مشروعیت الهی دارد و هم از مقبولیت مردمی برخوردار است. به لحاظ نظری، این نظام قادر است میان حق و تکلیف توازن برقرار کند و حقوق افراد را در عالی‌ترین مرجع قانونی خود تضمین نماید. از نظر عملی نیز، در صورتی که موانع اجرایی و چالش‌های ساختاری آن شناسایی و اصلاح شود، می‌تواند به عنوان الگوی مطلوب حکومتی برای جوامع اسلامی و دیگر کشورهایی که در پی تلفیق دین، عدالت و مردم‌سالاری‌اند، مطرح شود. البته باید توجه داشت که در مسیر تحقق کامل این نظریه، تفاوت‌های فقهی، کلامی و سیاسی میان مکاتب و مذاهب اسلامی می‌تواند تأثیرگذار باشد و از این رو، گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی باید با رویکرد تقریب‌گرایانه و وحدت‌بخش به این تفاوت‌ها بنگرد. به‌طورکلی، آنچه از مجموع بحث‌ها به دست می‌آید این است که نظام حکومتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، با در نظر گرفتن حقوق فردی و اجتماعی افراد و تکالیف آنان در رابطه دوسویه با حاکمیت، از کارآمدی حقوقی لازم برخوردار است تا ارزش‌های الهی و مردمی خود را در قالب حاکمیت اسلامی به منصفه ظهور رساند و در مرحله سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری، این ظرفیت‌ها را به شکل عینی متجلی سازد.

### فهرست منابع

۱. اکبری، مرتضی، و رضائی، فریدون (۱۳۹۴). واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری علیه السلام، فصلنامه علمی مطالعات الگویی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۳(۵)، ۸۵-۱۰۸.
۲. آقایی میبیدی، احمد، و کریمی والا، محمدرضا (۱۳۹۷). تبیین مبانی نقلی و عقلی مردم‌سالاری دینی. فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۷(۲۶)، ۲۷-۴۸.
۳. آهنگران، محمدرسول، و بیروتی، محمد و دیگران (۱۴۰۱). بررسی مبانی فقهی تشکیل حکومت در مذاهب اسلامی با تأکید بر نقش عقل. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۵(۱۲)، ۱۱۷-۱۳۸.
۴. باقی، عمادالدین (۱۳۸۳). گفتمان «گفت و گو» در اسلام. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۵(۱)، ۱۱۴-۱۴۵.
۵. جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۸). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. تهران: انتشارات نشر معارف.



۶. جعفری، علامه محمد تقی (۱۳۷۳). فرهنگ پیرو- فرهنگ پیشرو. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. حضرت آیت ا... العظمی سید علی خامنه‌ای. برگرفته از سایت [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
۸. زارعی، محمد حسین (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت ایران. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۷(۴۰)، ۱۵۵-۲۰۲.
۹. شبان‌نیا، قاسم (۱۳۹۷). استلزامات کارآمدی جمهوری اسلامی ایران در حوزه «جمهوریت» در دهه پنجم، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۱(۵۵)، ۳۵-۵۶.
۱۰. ضمیری، عبدالحسین (۱۳۸۸). حکمرانی مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته‌الله علیه. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی معاونت پژوهشی دفتر گسترش تولید علم.
۱۱. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۵). بنیاد های علم سیاست. تهران: نشر نی.
۱۲. عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات اشجع.
۱۳. عیوضی، محمدرحیم، و مرزبان، نازنین (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی رحمته‌الله علیه. فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۵(۱۹)، ۱۱۷-۱۳۸.
۱۴. غلامی‌مقدم، زهرا. شریف‌شاهی، محمد. و دیگران (۱۴۰۲). مؤلفه‌هایی از اصول حکمرانی خوب مؤثر بر قوای تقنینی، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۴(۵۷)، ۸۳-۹۸.
۱۵. فوزی، یحیی، و صنم‌زاده، محمودرضا (۱۳۹۱). تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله علیه. فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، ۳(۹)، ۷-۴۰.
۱۶. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقيق فی کلمات القرآن. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۷. مصطفوی، سیدمحمد (۱۳۸۶). درآمدی بر تئوری‌های حاکمیت و دولت از منظر اسلام. مترجم: بهزادیان، مهدی. قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
۱۸. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۱۹. ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۴). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران. تهران: وزارت امور خارجه.